یادداشت روز

انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول

راهپیمایی تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ بزرگ‌ترین راهپیمایی تاریخ انقلاب اسلامی است که به دلیل عظمت جمعیتی که در آن شرکت کرده بود، پایان رژیم شاهنشاهی را در ایران رقم زد و نوید برپایی حکومت جمهوری اسلامی داد. بر اساس آمارهایی که به‌طور رسمی از جانب افرادی نظیر ارتشبد عباس قره‌باغی وزیر کشور دولت نظامی ازهاری و یا از جانب محققینی مثل آبراهامیان منتشر شده‌اند، در تهران خیابان‌های منتهی به میدان شهیاد آن روز و آزادی امروز از هر طرف مملو از جمعیت بوده است. قره‌باغی عدد شرکت‌کنندگان در راهپیمایی عاشورای ۵۷ را حدود دو میلیون نفر ذکر کرده است. در آن زمان از سوی رسانه‌های خارجی این تظاهرات عظیم، رفراندوم تعیین حکومت ارزیابی شد. پس از آن دیگر تمام امیدها برای بقاء رژیم سلطنتی بر باد رفت و البته آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها بعد از آن هم درصدد بودند با کشتار وسیع و کودتای نظامی که از حمایت ناتو برخوردار بود، رژیم سلطنتی وابسته به خود را با محمدرضا یا بدون آن حفظ کنند چون می‌دانستند دولت برآمده از انقلاب ضد استبدادی و ضد استعماری ملت ایران جایی برای ادامه سلطه جبارانه و تحقیرآمیز غرب باقی نخواهد گذاشت. مباحث کنفرانس گوادلوپ هم بیانگر یأس آنان از تداوم سلطه غرب در ایران است. انقلاب اسلامی طی دهه‌های پس از پیروزی از انرژی ناشی از تظاهرات عظیم تاسوعا و عاشورای ۵۷ تغذیه کرد و ستبر شد و توطئه‌های غرب را یکی‌یکی در هم کوبید.

اما در این یادداشت، نگارنده قصد بازخوانی تظاهرات عظیم تاسوعا و عاشورای ۵۷ را ندارد. صحبت سر مقایسه هم نیست اما اگرچه این مقایسه‌ای بایسته بوده و خالی از لطف و درس گرفتن نیست.

در تظاهرات ۲۲ دی‌ماه و به فاصله یک ماه پس از آن تظاهرات ۲۲ بهمن ۱۴۰۴ یعنی ۴۷ سال پس از تظاهرات آذر ۵۷، مردمی که برای ادامه انقلاب اسلامی به صحنه آمدند عظمتی بیش از عظمت حضور در تظاهرات تاسوعا و عاشورای ۵۷ خلق کردند. این حرف هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی قابل بررسی و استناد می‌باشد. آمارهایی که توسط دستگاه‌های مختلف مسئول و کارشناسان خبره شمارش شرکت‌کنندگان در تظاهرات عظیم ۲۲ دی و ۲۲ بهمن امسال بیان شده‌اند، نشان می‌دهد عدد کسانی که در هرکدام از این دو تظاهرات شرکت کرده‌اند از عدد کسانی که در هرکدام از دو تظاهرات بزرگ سال ۵۷ شرکت کرده‌اند بیشتر بوده آن هم نه درصدی بیشتر بلکه لااقل بیش از دو برابر بوده است و اگر عدد جمعیتی تهران ۵۷ را با عدد جمعیتی این شهر در سال جاری مقایسه کنیم درمی‌یابیم جمعیت تهران حدود دو برابر شده است و تظاهرات ۲۲ بهمن بیش از دو برابر تظاهرات آذر ۵۷ را رقم زده است کما اینکه در همه شهرها و همه روستاهای کشور چنین بوده است.

آیا این عدد پدیده‌ای بی‌سابقه در جهان نیست؟ چه چیزی این پدیده عظیم را رقم زده است. جا دارد دانشکده‌های جامعه‌شناسی کشور روی این موضوع بسیار مهم مطالعه کرده و نتیجه تحقیقات خود را در معرض دید عموم جهانیان قرار دهند.

اما از حیث معنا و محتوا هم برجستگی تظاهرات ۲۲ دی و ۲۲ بهمن ۱۴۰۴ به نسبت تظاهرات تاسوعا و عاشورای ۱۳۵۷ قابل بررسی و مطالعه است. تظاهرات آذر ۵۷ یعنی تظاهرات تاسوعا و عاشورا برای ریشه‌کن کردن یک نظام استبدادی و البته وابسته داخلی صورت گرفت و بسیار هم موفق بود و تومار رژیم شاهنشاهی را از بیخ و بن برکند و منشاء تحولات بسیار عظیم بعدی شد. اما تظاهرات ۲۲ دی و ۲۲ بهمن امسال برای مقابله و غلبه بر نظام در هم تنیده سلطه جهانی و خنثی کردن توطئه‌های آن برپا شد و گستره آن مرزهای ایران بزرگ نبود و نه تنها همه منطقه غرب آسیا بلکه همه آنچه که گستره نظام سلطه جهانی تشکیل می‌دهد بود.

مردم ایران امسال به مصاف قدرتی رفتند که اروپا با آن سابقه تاریخی و تمدنی نسبت به آمریکا و با آن همه استعداد و امکانات، جرأت اندکی مخالفت با آن را ندارد تا جایی که «ونس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا از آن به طفلی که باید پشت سر پدرش حرکت کند تعبیر می‌کند. ملت ایران در این مصاف تاریخی و تعیین‌کننده که سرنوشت جهان را به نحو دیگری رقم خواهد زد به گونه‌ای که وزیر خارجه روسیه دو روز پیش در مصاحبه با خبرگزاری روسی تاس گفت ما و ایران و چین دست‌اندرکار ایجاد نظامی جدید در سطح بین‌الملل و به جای نظامات ظالمانه قبلی هستیم. بله تظاهرات دی و بهمن امسال، از مصافی در این سطح و در این درجه از اهمیت خبر می‌دهد.

مردم ایران و تهران در آذر ۵۷ نظامی را ویران کردند و نظامی ملی و اسلامی را به جای آن نشاندند. کاری که امسال کردند بسی بزرگ‌تر و با افقی روشن‌تر بود.

مردم و نظامی که ۴۷ سال در برابر این حجم وسیع از توطئه‌ها مقاومت کردند، از پای در نیامدند و در حین مصاف هم در اداره کشور خود شگفتی‌های بزرگ علمی، سیاسی، نظامی و معنوی را خلق کردند، حتماً برای دنیای آینده که دنیای بدون سلطه غرب خواهد بود، الگو هستند و نظام آینده جهان به‌طور قطع به‌شدت متأثر از آنان خواهد بود.

حضور بچه‌ها، نوجوانان، جوانان، میانسالان و پیرها از هر قشر و گروه و سلیقه و با هر سطحی از تفاوت، پکپارچگی ایده‌هایی که این ملت بزرگ در قلب و عقل خود دارد را نشان داد و این کیفی‌ترین خصوصیتی است که با آن می‌توان ادامه این راه نورانی و این انقلاب الهی و مردمی را با قاطعیت پیش‌بینی کرد. نوجوانان ما مردان بزرگ فردای این کشورند و روح پاک و انقلابی و مسئولیت‌پذیری آنان به‌طور قطع آینده این کشور را بیمه می‌کند. به این آمار نگاه کنید در اعتکاف امسال مساجد جامع کشور حدود یک و نیم میلیون نفر شرکت کرده‌اند، حدود ۸۰۰ هزار نفر از آنان دانش‌آموز بوده‌اند!

انقلاب اسلامی ایران با این مردم پا در رکاب، که تاریخ ایران و تاریخ اسلام تاکنون چنین استواری ممتدی را به خود ندیده است، تمدن بسیار بزرگ معنوی و مادی را رقم خواهد زد و ورق را به‌طور اساسی به نفع ملت‌ها و مظلومان برمی‌گرداند و این همان نویدی است که قرآن کریم به‌طور مکرر از آینده زمین به دست صالحان خبر داده است. ملتی که با یک اشاره رهبر معظم انقلاب اسلامی، میلیون‌ها نفر به‌صورت جهادی و با یک دنیا نشاط و سرزندگی به صحنه رزم با نظام سلطه سرازیر می‌شوند و حلقه‌های در هم تنیده توطئه نظام سلطه را در هم می‌شکنند همان‌ها هستند که مولای ما امیرالمؤمنین در وصفشان می‌فرمود؛ آه شوقاً الی اخوانی.

سعدالله زارعی

افشاگری رسانه غربی
از وارونه‌سازی فتنه دی‌ماه در رسانه‌های آمریکایی

وبسایت آمریکایی فِیر، در گزارش مفصلی از حجم گسترده وارونه‌سازی واقعیت‌ها در اغتشاشات دی‌ماه از سوی رسانه‌های جریان اصلی آمریکایی پرده برداشت.

وبسایت آمریکایی فیر (Fair) که به کار دیده‌بانی رسانه‌های عمدتا آمریکایی مشغول است، در گزارشی به نوع پوشش اغتشاشات دی‌ماه از سوی رسانه‌های جریان اصلی آمریکایی پرداخته و از حجم جانبداری و قلب واقعیت‌ها از سوی این رسانه‌ها پرده برداشته است.

این وبسایت در ابتدای گزارش خود نوشت: زمانی که در اواخر دسامبر، اعتراضات به دلیل تورم شدید در ایران شکل گرفت، بازیگران همیشگی صحنه بین‌المللی بدون اتلاف وقت تلاش کردند تا این ناآرامی‌ها را به نفع اهداف سیاسی خود مصادره کنند. دونالد ترامپ که درست پس از بازداشت رئیس‌جمهور ونزوئلا، نیکلاس مادورو، خبرساز شده بود با استفاده از شبکه اجتماعی مورد علاقه‌اش، بار دیگر سبک خاص خود در نوشتن با حروف بزرگ و علامت تعجب‌های فراوان را به نمایش گذاشت و نوشت: «ایران به شکل بی‌سابقه‌ای که تاکنون مشاهده نشده بود به آزادی نگاه می‌کند، ایالات متحده آماده کمک است!!! رئیس‌جمهور دونالد جی. ترامپ». چند روز بعد، او پیام دیگری منتشر کرد: «میهن‌پرستان ایرانی، ادامه دهید نهادهای خود را تصرف کنید!!!... کمک در راه است.»

فیر افزود: «اگرچه اعتراض‌ها پس از مدتی فروکش کردند و تا این لحظه هیچ کمکی که منجر به تغییر رژیم یا حمله نظامی مستقیم آمریکا و اسرائیل شود صورت نگرفته است.»

استانداردهای دوگانه در گزارشگری

این دیده‌بان رسانه‌های آمریکایی در ادامه گزارش خود نوشت: رسانه‌های اصلی آمریکا که همیشه آماده‌اند ایران را تخریب کرده و جاده را برای اقدامات امپریالیستی هموار سازند، فرصت را برای افشای آنچه «وحشی‌گری دولت» می‌نامند، از دست ندادند. جالب اینجاست که این دقت در گزارشگری، معمولاً در مورد نسل‌کشی اسرائیل در نوار غزه_که مورد حمایت کامل آمریکا است_ضروری شمرده نمی‌شود؛ نسل‌کشی‌ای که بسیاری از رسانه‌ها حتی از به کار بردن واژه «نسل‌کشی» برای آن خودداری می‌کنند.»

به نوشته فیر، «کشتار جمعی در غزه که تحت پوشش فریبنده «آتش‌بس» ادامه دارد، از اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون بیش از ۷۰۰۰۰ فلسطینی را به کام مرگ کشانده است. این در حالی است که فرانچسکا آلبانیزه، گزارشگر ویژه سازمان ملل، سال گذشته هشدار داد که شمار واقعی کشته‌ها ممکن است به ۶۸۰۰۰۰ نفر رسیده باشد.»

محرک‌های اقتصادی: قربانیان شایسته و ناشایسته

این وبسایت سپس نوشت که رسانه‌های جریان اصلی آمریکایی در عرصه گزارش‌گری خود از رویدادهای ایران، تنها انگیزه‌های سیاسی را اعمال می‌کنند و هیچ اشاره‌ای به اینکه مشکلات اقتصادی و تورم بالا در ایران معلول همان تحریم‌های آمریکا است که ده‌ها سال ادامه دارد، نمی‌کنند.

طبق این گزارش روزنامه نیویورک تایمز در گزارش ۲۵ ژانویه خود «اقتصاد رو به سقوط کشور» را به عنوان محرک اولیه اعتراض‌ها ذکر کرد، اما در ۶۹ پاراگراف بعدی، هیچ زمینه اقتصادی یا تاریخی مرتبط دیگری ارائه نشد.

وال‌استریت ژورنال نیز در ۲۶ ژانویه با گزارشی تحت عنوان «سرکوب اعتراض‌ها در ایران روز به روز خونین‌تر به نظر می‌رسد»، تنها به اشاره‌ای مبهم به «محرک‌های اقتصادی» اکتفا کرد.

شبکه سی ان ان نیز در ۱۷ فوریه در گزارشی با تیتر «خون در خیابان‌ها»، در پایان متن به وضعیت وخیم مالی ایران اشاره کرد و مدعی شد: «واقعیت تلخ زندگی در ایران امروز تضمین می‌کند که اعتراض‌ها به زودی دوباره شعله‌ور خواهند شد.» شبکه ان‌بی‌سی نیز در ۲۵ ژانویه نوشت: «اعتراض‌ها به دلیل مشکلات اقتصادی آغاز شد، زمانی که ارزش ریال سقوط کرد و تورم بالا رفت.»

وبسایت فیر در ادامه نوشت: اما رسانه‌های جریان اصلی آمریکایی اغلب نمی‌پرسند چرا ایران در چنین بحران اقتصادی عمیقی قرار دارد، بحرانی که نقش آمریکا در آن غیرقابل انکار است.»

این وبسایت به نقل از گزارش شبکه الجزیره در تاریخ ۱۳ ژانویه اشاره کرد که ده‌ها تحریم‌های آمریکا «زندگی ایرانیان را فلج کرده» و «نقش اصلی را در بحران‌های اقتصادی کشور داشته است.»

طبق این گزارش، مقامات آمریکایی حتی به این واقعیت اذعان کرده‌اند، اظهارات اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا در اجلاس داووس به روشنی نقش تحریم‌ها در اعتراضات ایران را برجسته می‌کند، او گفت: «تحریم‌ها علیه ایران مؤثر بوده‌اند، زیرا در دسامبر اقتصادشان فروپاشید... به همین دلیل مردم به خیابان آمدند. این سیاست اقتصادی است، بدون شلیک گلوله، و اوضاع به شکل بسیار مثبتی در حال پیشرفت است.»

وزیر خزانه‌داری آمریکا تأکید کرد: «دیدیم یک بانک بزرگ سقوط کرد. بانک مرکزی شروع به چاپ پول کرد. کمبود دلار وجود دارد. آن‌ها قادر به واردات نیستند.» این سخنان یادآور سخنان مایک پامپئو در سال ۲۰۱۹ است، زمانی که با خوشحالی اثرات فشار اقتصادی بر ونزوئلا را تشریح می‌کرد؛ او گفته بود: «محاصره تنگ‌تر می‌شود... می‌توانید درد و رنج روزافزون مردم را مشاهده کنید.» وبسایت فیر در ادامه گزارش خود نوشت: برای درک مرگبار بودن این سیاست‌های اقتصادی، کافی است به ارزیابی سال ۱۹۹۶ مادلین آلبرایت وزیر خارجه دولت کلینتون نگاه کنیم که درباره مرگ نیم میلیون کودک عراقی بر اثر تحریم‌ها گفته بود: «ما فکر می‌کنیم ارزشش را دارد.» شبکه الجزیره نیز در تاریخ سوم ژانویه در گزارشی به آثار تحریم‌ها در ایران پرداخت و نوشت: «از افزایش تصادفات هوائی به دلیل فرسودگی ناوگان، تا نایاب شدن داروهای ضروری و سقوط تولید ناخالص داخلی، اثرات تحریم‌های ده‌ها ساله است.»

نفوذ و مداخله: موساد در خیابان‌ها

وبسایت فیر در بخش دیگری از گزارش خود به تلاش رسانه‌های آمریکایی برای لاپوشانی مداخله موساد و سی‌آی‌ای در اغتشاشات دی ماه پرداخت و نوشت: خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارش ۲۶ دسامبر، تلاش کرد اتهامات ایران درباره دخالت آمریکا و اسرائیل را بی‌اعتبار جلوه دهد و مدعی شد سفیر ایران «هیچ مدرکی» ارائه نداده است.»

این وبسایت تأکید کرد که اگر رسانه‌های آمریکایی سخنان مقامات ایرانی درباره مداخله خارجی در اعتراضات را در بستر تاریخی خود بررسی می‌کردند، می‌فهمیدند که سخن آن‌ها چندان هم غیرمنطقی نیست، وبسایت فیر در این راستا به کودتای سال ۱۳۳۲ و ترور دانشمندان هسته‌ای ایران توسط موساد اشاره کرد و نوشت: «مطبوعات رسمی تمایلی به یادآوری کودتای ۱۹۵۳ سازمان سیا علیه محمد مصدق یا ترور دانشمندان ایرانی توسط اسرائیل ندارند.» این دیده‌بان رسانه‌های آمریکایی در ادامه گزارش خود به اعترافات رسانه‌های اسرائیلی از مداخله موساد در اغتشاشات دی‌ماه پرداخت و به خبرنگاران آمریکایی توصیه کرد که به جای تکذیب سخنان مقامات ایرانی، روزنامه‌های اسرائیلی را با دقت بخوانند. وبسایت فیر در این بخش به گزارش رسانه‌های عبری درباره حضور موساد در کنار اغتشاشگران در ایران پرداخت و نوشت: جروزالم پست در ۲۹ دسامبر گزارش داد که موساد «پیامی غیرمعمول به زبان فارسی منتشر کرده و معترضان را به اقدام دعوت کرده و گفته در خیابان‌ها همراه آن‌هاست.»

در ۸ ژانویه، وب‌سایت اسرائیل هیوم نیز به نقل از وزیر اسرائیلی، آمیخای الیاهو، نوشت: «می‌توانم تضمین کنم که تعدادی از نیروهای ما همین حالا در آنجا فعالیت می‌کنند.» همچنین روزنامه تایمز اسرائیل در تاریخ ۱۶ ژانویه، گزارش داد که «بازیگران خارجی» به معترضان سلاح می‌رسانند. سپس «تامیر موراگ» نویسنده این مقاله، در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «همه آزادند حدس بزنند چه کسی پشت آن است.»

حتی مایک پمپئو در ۲ ژانویه در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «سال نو مبارک به هر ایرانی در خیابان‌ها و همچنین به هر مامور موسادی که کنار آن‌ها حرکت می‌کند.»

ایران کوچک‌شده: هدف نهائی

وبسایت فیر در بخش پایانی گزارش خود به تمایل رسانه‌های غربی برای تجزیه ایران پرداخت و در این راستا به مقاله روزنامه وال‌استریت ژورنال در تاریخ ۱۶ ژانویه با عنوان «یک ایران شکسته ممکن است چندان بد نباشد»، اشاره کرد و نوشت: «این مقاله پرده از اهداف نهائی برداشته است». وال استریت ژورنال در آن مقاله نوشته بود: «گروه‌های قومی باید از کشور جدا شوند زیرا ایران کوچک‌شده خطر کمتری برای اسرائیل دارد.»

به نوشته وال استریت ژورنال: «برای صلح منطقه‌ای و جهانی، بهترین گزینه شاید کمک به جدایی باشد تا ایران کوچک‌شده... از روی تخته شطرنج ژئوپلیتیکی برداشته شود.»

به گزارش فارس، وبسایت فیر در پایان نوشت: «این نشان می‌دهد که از نظر برخی تحلیلگران آمریکایی، تغییر رژیم کافی نیست و هدف اصلی، بازسازی کل نقشه منطقه و تجزیه کشور است»

گفت و شنود

چه فرمایشی داشتید؟!

گفت: راست گفته‌اند که اسب‌های درشکه وقتی به سربالائی می‌رسند و از نفس می‌افتند، همدیگر را گاز می‌گیرند!

گفتم: از قدیم و ندیم آن‌طوری بوده. حالا مگه چی شده؟!

گفت: گروه‌های ضدانقلاب فراری بعد از شکست اغتشاشات بدجوری به جان هم افتاده‌اند و همدیگر را به باد فحش گرفته‌اند و در چند مورد هم کتک‌کاری کرده‌اند و هر کدامشان دیگری را باعث بدبختی خود می‌دانند.

گفتم: سرکرده گروهک کومله گفته است؛ ما گول حمایت بی‌پرده سیاسی و تسلیحاتی آمریکا و اسرائیل و چند کشور اروپایی را خوردیم! و یکی از سلطنت‌طلب‌ها بعد از مشاهده تعداد اندکی که برای حمایت به مونیخ آمده بودند و دیدن چند پرچم اوکراین و رژیم صهیونیستی، گفته است؛ بالاخره نفهمیدیم ایرانی هستیم یا اوکراینی یا اسرائیلی؟!

گفت: حیوونای زبون بسته چاره‌ای نداشته‌اند! باید در مقابل اربابشان آداب بردگی را بجا می‌آوردند!

گفتم: ایول! از نوکری پرسیدند که رابطه تو با اربابت چطوری است؟ گفت؛ هر وقت من حرفی می‌زنم، می‌گوید؛ بازهم آروغ زدی؟ و هر وقت او آروغ می‌زند، من باید بگویم؛ قربان چه فرمایشی داشتید؟!

افغانستان:

در صورت هرگونه تعرض آمریکا از ایران حمایت خواهیم کرد

سخنگوی ارشد حکومت طالبان اظهار داشت: افغانستان در صورت هرگونه تعرض آمریکا، از ایران حمایت خواهد کرد.

«ذبیح‌الله مجاهد»، سخنگوی ارشد حکومت طالبان طی پاسخ به پرسشی درباره موضع افغانستان نسبت به حمله احتمالی آمریکا به ایران گفت: امیدواریم جنگ بین دو کشور صورت نگیرد اما اگر هر درخواستی از ما شود، افغان‌ها آماده‌اند مطابق توان خود در بخش مشکلات جنگ با ملت ایران همکاری داشته باشند.

وی افزود: ما طرفدار جنگ و درگیری نیستیم، اما اگر به‌یاد داشته باشید دفعه قبل که به جمهوری اسلامی ایران حمله شد نتیجه این بود که ایران برنده شد و فکر می‌کنم باز هم همین گونه می‌شود، زیرا ایران توان دارد، ایران برحق است و حق دفاع از خود را دارد.

مجاهد در گفت‌وگو با رادیو پشتو عنوان کرد: روابط کابل و تهران از هر زمان دیگری بهتر است، هر دو کشور به یکدیگر احترام می‌گذارند و روابط در مسیر درستی پیش می‌رود.

گفتنی است هیئت حاکمه افغانستان تابستان گذشته نیز حملات رژیم صهیونیستی به ایران را محکوم کرد و ذبیح‌الله مجاهد تأکید کرده بود ایران برنده جنگ ۱۲روزه بود.

پیش از این نیز «تدامحمد ندیم»، وزیر تحصیلات عالی حکومت طالبان در دیدار با جمعی از اساتید دانشگاه‌های خصوصی در کابل با انتقاد از برخی کشورهای اسلامی به‌دلیل سستی در برابر آمریکا، تأکید کرده بود که ایران به‌دلیل عدم‌اطاعت از آمریکا تحت فشار قرار دارد.

به گزارش تسنیم، وی با اشاره به اغتشاشات اخیر در ایران نیز گفته بود: اگر ایران جلوی اغتشاشگر را می‌گیرد، آمریکا آن را نقض حقوق بشر می‌گوید، اما تظاهرات مسالمت‌آمیز در خاک خود را با خشونت سرکوب می‌کند، و این دوگانگی نشان‌دهنده نوعی هراس است.

خبر ویژه

تحلیلگر صهیونیست: اردک‌هایی بی‌دفاع در مقابل موشک‌های ایران هستیم

برخلاف هارت‌وهورت‌های دولت دروغگوی نتانیاهو، تحلیلگر مؤسسه مطالعات امنیت ملی رژیم صهیونیستی اعتراف کرد: اسرائیلی‌ها در مقابل موشک‌های ایران، مانند اردک‌هایی در گالری تیراندازی هستند.

دکتر شموئل هارلاپ در تحلیلی برای مؤسسه INSS با عنوان «اردک‌ها در گالری تیراندازی: در نبود یک استراتژی ملی» نوشت: هر استراتژی یک برنامه عملی برای تغییر وضعیت پیشنهاد می‌کند. در کتاب خود درباره استراتژی، پروفسور لارنس فریدمن استراتژی را «هنر ساخت قدرت» تعریف می‌کند. این توانایی «به دست آوردن بیشتر از آنچه تعادل قدرت اولیه اجازه می‌دهد» از یک وضعیت است. در عین حال، در کنار راهبردهای «چه باید کرد» ممنوعیت‌هایی درباره «چه کاری نباید انجام داد» وجود دارد: ده فرمان، قانون حمورابی در بین‌النهرین، ممنوعیت‌های اسلامی مصرف الکل و دریافت بهره، و ضرورت جلوگیری از آسیب به غیرنظامیان در جنگ طبق حقوق بین‌المللی.

در مقابل فراوانی «بایدها» و «نبایدها»، شاهزاده دانمارکی در هملت شکسپیر با پرسشی اساسی‌تر و وجودی دست‌وپنجه نرم می‌کند: «بودن یا نبودن؟» فیلسوف کارل مارکس راه‌حلی عملی برای این معضل هملتی ارائه داد. در «مانیفست کمونیستی»، او تلاش کرد فیلسوف آلمانی فریدریش هگل را «وارونه کند» و دغدغه فلسفی با آگاهی را با درگیری تاریخی با هستی جایگزین کند. مارکس گفتمان بودن را به بحثی تاریخی درباره مبارزه طبقاتی تبدیل کرد. نظریه و عمل جنگ طبقاتی منجر به ظهور کمونیسم در اروپا و آسیا شد. امروز، دموکراسی لیبرال در مقابل اشکال حکومت اقتدارگرایانه شرق ایستاده است. مبارزه میان اردوگاه‌های ایدئولوژیک بر سر «بودن» با جنگی گسترده‌تر بر سر آگاهی درهم‌تنیده است؛ روایت‌ها به جای حقیقت، رسانه‌ها و الگوریتم‌ها به جای حقایق. در میان فراوانی ایدئولوژی‌های هستی و جنگ‌ها بر سر آگاهی، آنچه برجسته است فقدان استراتژیک «چه چیزی نباید بود» است. در حوزه امنیت ملی، هیچ ادبیاتی درباره «آنچه نباید بود» وجود ندارد. در نتیجه، ادبیات امنیت ملی یک وضعیت تجربی رایج و آشنا را نادیده می‌گیرد: انفعال، یا به زبان عامیانه‌تر، حالت «اردک بودن در گالری تیراندازی».

نبودن «اردک در گالری تیراندازی» چنان ضروری است که به نظر بدیهی می‌رسد: چه کسی داوطلبانه انتخاب می‌کند که هدف نشسته باشد؟ با این حال، اگرچه هیچ‌کس انتخاب نمی‌کند که در چنین وضعیتی قرار گیرد، ساکنان اسرائیل در برابر دشمنانی که تهدید به نابودی‌شان می‌کنند و موشک‌های بالستیک مرگبار به سوی آن شلیک می‌کنند، بی‌دفاع ایستاده‌اند.

تا زمانی که ایران زیرساخت‌ها و مراکز جمعیتی اسرائیل را با موشک‌های بالستیک هدف قرار دهد و اسرائیل توانایی جلوگیری از پرتاب آنها را نداشته باشد، دولت و شهروندانش عملاً در معرض تیراندازی هستند. بنابراین، ضروری است که اطمینان حاصل شود اسرائیلی‌ها هدف موشک‌های ایران قرار نگیرند. این همان «چی» استراتژی است. به عبارت دیگر، به گفته پروفسور فریدمن، این توانایی استخراج بیش از آنچه وضعیت اولیه «اردک‌ها در گالری تیراندازی» به نظر می‌رسد، است.

اگر رهبران اسرائیل موافق باشند که استراتژی امنیت ملی باید با هدف جلوگیری از وضعیت «اردک‌ها در گالری تیراندازی» باشد، باید دکترین جنگی را تدوین کنند که قادر به تحقق این هدف باشد. تدوین چنین دکترین‌ای ما را وارد حوزه «چگونه» می‌کند: چگونه می‌توانیم از ایران جلوگیری کنیم که اسرائیلی‌ها را به اردک‌هایی در گالری تیراندازی تبدیل نکند؟ دولت باید هم درباره «چی» و هم درباره «چگونه» تصمیم بگیرد.

دو سیرک در یک زمین

همزمان با اجرای سیرک اسپانیایی «آلگریا» در میدان «ترزین‌ویز» مونیخ، کمی آن طرف‌تر در همان میدان سیرک دیگری با سخنرانی رضا پهلوی و شرکت تعداد محدودی وطن‌فروش فارسی‌زبان و شهروندان کشورهای دیگر نظیر اوکراین، سوریه، مغولستان و... به روی صحنه رفت که جهان را به خنده واداشت.

ماجرا از آنجا آغاز شد که جریان‌های ضد انقلاب خارج‌نشین که در حباب فضای مجازی و به لطف ربات‌ها و حساب‌های کاربری جعلی دچار توهم فراوانی جمعیت خود شده بودند، تصمیم گرفتند در فضای واقعی گردهم جمع شوند و جمعیت انبوه خود را در چشم رسانه‌های جهان فرو کنند. آنها برای روز ۲۵ بهمن در میدان «ترزین‌ویز» مونیخ، فراخوان تجمع دادند و از سراسر اروپا با اتوبوس و دیگر وسایل نقلیه خود را به مونیخ رساندند اما تصاویری که از رسانه‌ها پخش شد، برای ناظران خارجی مضحک و برای آنها ناامیدکننده بود.

در حالی که عوامل برگزاری مراسم و رسانه‌های بیگانه ضدایرانی سعی می‌کردند با انتشار تصاویری بسته تعداد حاضران را فراوان نشان دهند اما تصاویر بازتر و از زاویه بالا توسط برخی کاربران فضای مجازی و رسانه‌های دیگر منتشر شده که به وضوح، خالی‌بودن میدان «ترزین‌ویز» مونیخ را نشان می‌داد.

پایگاه خبری دیلی‌اسکوپ انگلیس به استناد همین تصاویر و به نقل از رسانه‌های محلی تعداد حاضران در این تجمع را تنها حدود ۵هزار نفر تخمین زد. این در حالی بود که رسانه‌های حامی این جریان با اغراقی عجیب جمعیت آنها را تا ۲۵۰هزار نفر اعلام کردند. این آمار غیرواقعی حتی توسط کاربران و تحلیلگران خارجی مورد طعنه و تمسخر قرار گرفت. «مکس بلومنتال» تحلیلگر و نویسنده آمریکایی با اشاره به این آمار غیرواقعی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس (توئیتر سابق) نوشت: «طرفداران پهلوی دوباره در حال جعل اعداد هستند.»

برخی کاربران با انتشار اخبار قدیمی از دیگر تجمعات برگزار شده در میدان «ترزین‌ویز» مونیخ که ظرفیت این میدان را حدود ۳۰۰هزار نفر اعلام می‌کرد به مقایسه تصاویر آن تجمعات با تصاویر منتشر شده از تجمع جریان ضدانقلاب پرداختند و بر این اساس جمعیت حاضر را حتی کمتر از ۵هزار نفر دانستند. همچنین تصاویری از افراد حاضر در این تجمع منتشر شد که نشان می‌داد برخی از حاضران ملیت ایرانی نداشته و شهروندان کشورهای دیگر از جمله، اوکراین، سوریه، مغولستان و... بوده‌اند. پس از رسوایی اپوزیسیون ایرانی در مونیخ، این جریان اقدام به انتشار اخبار جعلی در رسانه‌ها و حساب‌های کاربری وابسته به خود کرد و با انتشار تظاهرات و تجمعات ضد ترامپ، سعی کرد این تصاویر را به عنوان تجمعات خود جا بزند.

گفتنی است حدود یک میلیون و پانصد هزار ایرانی در اروپا و از این تعداد حدود ۳۴۰هزار نفر فقط در آلمان زندگی می‌کنند و تجمع جریان ضدانقلاب در مونیخ در خوش‌بینانه‌ترین حالت (برآورد ۵هزار نفری) توانسته ۱,۴ درصد از ایرانیان ساکن آلمان و ۰,۳ (سه دهم) درصد از ایرانیان ساکن اروپا را شامل شود. اعدادی که به‌وضوح دست رد ایرانیان خارج کشور را به سینه جماعت مزدور بی‌وطن نشان می‌دهد.

ایران، دست برتر را دارد و نگران ناوهای آمریکا نیست

پیروزی سریع در مقابل ایران ممکن نیست. ایرانی‌ها خیلی نگران ناوهای آمریکا نیستند. در یمن، موشک‌هایی که شلیک شد، ناوهای آمریکا را مجبور کرد ۱۰۰۰ کیلومتر فاصله بگیرند. ایران احساس می‌کند دست قوی‌تر را دارد و ترامپ نمی‌داند وقتی تنگه هرمز بسته شود، با رتبه‌بندی‌های اقتصادی و بازار و اقتصاد آمریکا چه خواهد کرد؟ این ارزیابی را با السستر کروک (دیپلمات سابق و عضو ارشد پیشین ام آی ۶ انگلیس) در گفت‌وگو با سرهنگ آمریکایی دانیل دیویس مطرح کرد.

کروک درباره مواضع نتانیاهو گفت: او می‌گوید اگر توافقی داشته باشید اما موشک‌ها را شامل نشود، ما می‌خواهیم آزادی عمل را حفظ کنیم. او به ترامپ گفت اگر شما این کار را نکنید، ما آن را به شما تحمیل خواهیم کرد. اگر توافقی هسته‌ای بیاورید که نقص داشته باشد، اگر سلاح‌ها و چیزهای دیگر را شامل نشود، آن‌گاه ما به تنهائی پیش می‌رویم و شما چاره‌ای جز حمایت نخواهید داشت و ما از شما انتقاد خواهیم کرد.

ترامپ مردد است. فکر می‌کنم او بسیار مردد است، چون در حال جست‌وجو بوده، از همه تیمش با ناامیدی می‌پرسد، یک حمله سریع به ایران پیدا کنید که بتوانم انجام دهم. آیا می‌توانم کاری مثل مادورو در ونزوئلا انجام دهم؟ او یک عملیات سریع می‌خواهد که هیچ درگیری بلندمدت نداشته باشد. مشکل این است که او مدام از اسرائیلی‌ها و تیم خودش می‌شنود، خیلی متأسفیم، اما چنین چیزی وجود ندارد. و آنچه فکر می‌کنم حالا با آن روبه‌رو شده این است که اگر توافقی با ایران به دست نیاورد، آن‌گاه با یک درگیری طولانی و پیچیده روبه‌رو خواهد شد. آمریکا جنگ کوتاه را دوست دارد، اما ایران این را می‌فهمد و آن را بازی خواهد کرد، چون می‌دانند که ظرف دو هفته، آمریکا احتمالاً از نظر دفاع هوائی و قابلیت‌هایش خسته خواهد شد.

باید بگویم ایران کمک هم دریافت کرده و کمکی که دریافت می‌کنند دیده نمی‌شود. حتی نشانه‌ای از آن نخواهید دید و این یک تغییر بازی است. چینی‌ها قبلاً سیستم‌های رادار دوربرد خود را به ایران داده‌اند. فکر می‌کنم YCAB رادارها هستند و این‌ها می‌توانند هواپیماهای پنهان‌کار را در فاصله ۷۰۰ کیلومتری تشخیص دهند و همان‌طور که می‌دانید این همه F۳۵ها را چه از اسرائیل یا آمریکا حذف می‌کنند؛ این‌ها چشم و گوش هستند اما بیش از این هم کرده‌اند.

ایران در این دوره اخیر کاملاً از سیستم قدیمی هدف‌گیری GPS دور شده و به سمت سیستم Beidou رفته و در توافق شراکت با چین، این یکی از مهم‌ترین عناصر است؛ نه درباره موشک‌های دفاع هوائی بلکه آنچه به آن‌ها دادند عملاً لینک داده نظامی درجه بالا روی I۲ بود که برای غرب خیلی سخت است. این شبیه چیزی است که پاکستانی‌ها داشتند و به آن Link۱۷ می‌گویند که یک شبکه کامل از رادار تا مراکز فرماندهی موشک است، یک سیستم داده و توانایی ارتباط.

مردم مدام به من می‌گویند آیا چینی‌ها مداخله خواهند کرد؟ خوب، قرار نیست نیرو روی زمین بگذارند یا موشک از چین شلیک کنند، نه، این یک بازدارندگی نامرئی است که در جریان است. چین اگر آمریکا فشار بیاورد خواهد گفت این خطوط تأمین ما هستند. این خط تأمین انرژی چین است. شما دارید همه جا خطوط تأمین را قطع می‌کنید. دارید کشتی‌ها را مایل‌ها دورتر از کارائیب در مدیترانه و اقیانوس هند و جاهای دیگر دستگیر می‌کنید. آمریکا دارد سعی می‌کند خطوط تأمین از روسیه و به چین را قطع کند. ایرانی‌ها احتمالاً خیلی نگران تحرکات ناوگان آمریکا نیستند. من فکر نمی‌کنم آنها خیلی تحت تأثیر قرار گرفته باشند چون می‌دانند که ناوهای آمریکا نمی‌تواند بیاید. ایرانی‌ها کل ساحل را با موشک‌های ضدکشتی پر کرده‌اند. ناو موجود در دریای عرب است، چون دوست ندارند خیلی نزدیک شوند. درست همان‌طور که ما در یمن دیدی